

ابعاد تمدنی میانه روی اسلامی

محمد علی تسخیری*

چکیده

هدف از خلقت انسان بندگی حق تعالی است و اسلام با طاغوت و هر آن چه از اعتدال خارج باشد، مخالفت می‌کند. بی‌ایمانی یا ایمان به خدایان ساختگی دو عامل مهم طغیان‌گری و تهدید علیه امنیت انسانی‌اند که اسلام در صدد است با ترویج ایمان، صلح عادلانه را برای همه بشریت به ارمغان آورد. جامعه‌ای که اسلام ترسیم می‌کند جامعه‌ای است برخوردار از امنیت و در آن عبادت خدا و دوری از طاغوت محسوس است.

در این راستا سازمان ملل متحد نیز خواهان جلوگیری از تروریسم و مرجع جهانی برای برقراری صلح عادلانه در زمین است که در این مقاله راه کارهایی برای موفقیت سازمان در این مبارزه ارائه می‌شود.

کلید واژه‌ها: خلقت انسان، امنیت، صلح جهانی، عدالت، سازمان ملل.

مقدمه

برای همه کسانی که اسلام را بررسی و مطالعه کرده‌اند روشن است که هدف خداوند متعال از آفریدن، به کمال رسیدن آفریده‌هاست و می‌خواهد استعدادهای ذاتی نهفته و بالقوه آنها به فعلیت برسند؛ این همان چیزی است که وجدان فطری انسان هنگامی که طراحی هستی و هماهنگی و هدفدار بودن خلقت را ملاحظه می‌کند، درک می‌نماید.

در مورد آفرینش انسان، قرآن کریم هدف از خلقت او را روشن تر مشخص می‌نماید و می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات: ۵۶)؛ جن و انس را نیافریدم مگر برای پرستش خودم». چنین چیزی نشان می‌دهد که تکامل انسان زمانی صورت می‌پذیرد که ویژگی بندگی خداوند متعال

* دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

در او به عنوان یک فرد ریشه بدواند. اوج کمال فرد در شخص پیامبر تجلی می‌یابد و بالاترین صفتی که به پیامبر داده می‌شود «نعم العبد» است، یعنی او بهترین بنده خداست.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «وَهَيِّنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ (ص: ۳۰)؛ ما سلیمان را که بهترین بنده و توبه کننده بود به داوود بخشیدیم».

هنگامی که شخص مؤمن برای رسول خدا و سرور کائنات به پیامبری شهادت می‌دهد، بندگی او را بر پیامبری‌اش مقدم می‌شمارد و می‌گوید: «اشهد أن محمداً عبده و رسوله؛ گواهی می‌دهم که محمد بنده و پیامبر او است». این موضوع بر جامعه انسانی نیز صدق می‌کند. بندگان صالح و شایسته خدا و در سرلوحه آنها پیامبران، برای برپایی جامعه‌ای تلاش می‌کنند که در آن مردم بنده خدا باشند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل: ۳)؛ ما در هر امتی پیامبری مبعوث کرده‌ایم که خداوند را پرستش کنند و از طاغوت بپرهیزند». بنابراین راه و روش صحیح، متوازن و تکامل بخش، پیروی کردن از دو خط است: خط بندگی خداوند و خط پرهیز و دوری جستن از طاغوت و این دو دستاورد عمده بندگی مطلق برای خداوند متعال است.

بنابراین ما در این جا با جزئیات بیشتری برای بندگی روبه‌رو هستیم و آن بندگی خدا و مخالفت با طاغوت است.

مفهوم عبادت و طاغوت

عبادت در مفهوم اسلامی به طور خلاصه به معنای هموار ساختن زندگی برای اطاعت خداوند متعال و اجرای دستورها و نهی‌های اوست:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال: ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید پاسخ مثبت دهید به خدا و پیامبر او زمانی که شما را به چیزی که ضامن حیات شما است دعوت می‌نماید».

این معنا در برگیرنده بندگی به معنای اخص همچون نماز و روزه است که زندگی در آن خلاصه نمی‌شود بلکه همه زندگی به مسجد و نماز تبدیل می‌شود.

طاغوت یعنی از حد اعتدال و میانه روی مورد نظر اسلام، چنان که راغب در تفسیر آیه شریفه «إِنَّا لَمَّا طَعَى الْمَاءَ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ» (الحاقه: ۱۱) طغیان را عبارت از فرا رفتن از حد می‌داند (مفردات: ۳۰۵).

اعتدال و میانه روی اسلامی به معنای عدل، توازن، حکمت، خرد و قرار دادن هر چیزی در جای خود است به گونه‌ای که هدف از آن تحقق یابد، البته مقیاس و سنجش در این جا کمی نیست. چنانچه امت اسلامی امت وسط و معتدل باشد (وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا) (بقره: ۱۴۳) به خاطر پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که اسوه همگان است، الگو و اسوه تمدنی برای دیگر امت‌ها خواهد بود. رجوع به مفهوم‌هایی که اسلام از آن‌ها نفرت دارد نشان می‌دهد که آن مفهوم‌ها از حد اعتدال و میانه روی بیرون‌اند؛ نظیر الحاد، شرک، فاحشه، تهور، اسراف و حتی رهبانیت، بخل، ترس و عدم احساس مسئولیت، همگی نوعی تجاوز و عدم پایبندی به حد شرعی است.

بنابراین معیار آن حد انسانی است که خداوند متعال برای بندگان خود قرار داده است و شاید به خاطر آشکار بودن آن با وجدان انسانی قابل درک باشد مثل طیبیات و خبائث. دیدگاه الهی تصویر کاملی از حد اعتدال و یا حد طبیعی به ما می‌دهد که خارج شدن از آن به معنای خارج شدن از خود و فراموش کردن آن است. در این جا است که این تعبیر زیبای الهی خود را نشان می‌دهد: «تَسُوا اللَّهَ فَاَتْسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (الحشر: ۱۹)؛ خدا را فراموش کردند خدا نیز خودشان را از یادشان برد، آنان از جمله فاسقان‌اند».

امنیت بشریت نیز در طول تاریخ در معرض تهدید سرکشان و فاسقان بوده است. چنانچه به جوی‌های خون و اشک‌ها و تجاوز به نسل و ناموس و انسانیت‌ها نگاه کنیم به آسانی می‌توانیم به تعبیر شهید محمد باقر صدر آن را ناشی از دو مظهر از مظاهر سرکشی بدانیم:

اول: گمراهی و وابستگی، دوم: غلو در هواداری و متحول نمودن حقیقت‌های نسبی به حقیقت‌های مطلق که اسلام از آن به «الحاد» و «شرک» یاد کرده است. این دو در یک نقطه اساسی به هم می‌رسند و آن جلوگیری از انسان در مسیر تکامل و استمرار خلاقیت و شایستگی است (الفتاوی الواضحة: ۵۹۵) و علاج آن همان ایمان به خداوند یکتا و احساس مسئولیت در برابر اوست. بی‌ایمانی یا ایمان به خدایان ساختگی نمودهایی از طغیان‌گری و به عبارت دیگر دو عامل بزرگ طغیان‌گری‌اند که موجب گریز از مسئولیت یا تشدید پرستش ذات یا حاکم، اسطوره، مقام، مال، قدرت و شهوت می‌شوند. این امور که همه نسبی‌اند در اثر جهل و نادانی به اموری مطلق تبدیل شده و در نتیجه ویرانی و ویرانگری و تهدید امنیت انسانی را در عرصه‌های مختلف به دنبال خواهند داشت. ما می‌توانیم گونه‌های فراوانی از امنیت انسانی را تصور نماییم: امنیت فکری، اجتماعی، اخلاقی، انسانی، خانوادگی، بهداشتی، زیست محیطی، سیاسی، اقتصادی و... که سرکشی و فرا رفتن از حد و مرز و افراط و تفریط همه این امنیت‌ها را تهدید می‌کند.

فرعون نمونه ای از سرکشی است که قرآن از او چنین یاد می‌کند:

«أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ (طه: ۲۳)؛ نزد فرعون بروید که او سرکشی کرده است.»

«وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ (یونس: ۸۳)؛ و به درستی که فرعون در زمین برتری جویی می‌کند و از اسراف‌کاران است.»

حتی ایمان هم نیاز به اجازه گرفتن از او داشت: «قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَلِيلٌ أَنْ أَذُنَ لَكُمْ (اعراف: ۱۲۳)؛ فرعون گفت شما پیش از آن که من به شما اجازه بدهم به او ایمان آورده‌اید؟»

او سمبل تهدید حضور مردم و نسل و خلق بود: «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ (قصص: ۱۳)؛ به راستی که فرعون در زمین برتری جست و مردمان آن را گروه گروه کرد و گروهی از آنها را ناتوان کرد، پسران آنها را سر می‌برید و زنانشان را زنده نگه می‌داشت به راستی که او از مفسدان بود.»

فرعون سمبل سبک شماردن امت بود: «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَّاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (زخرف: ۱۴)؛ او قوم خود را سبک شمرد آنها نیز از او پیروی کردند. به درستی که آنها قوم فاسقی بودند.»

نقش اسلام در تحقق امنیت انسان‌ها

اسلام با نظام اخلاقی و تربیتی خود برای فراهم کردن امنیت اخلاقی تلاش می‌نماید:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ (جمعه: ۱۵)؛ او در میان مردم بی سواد پیامبری از خودشان مبعوث کرد که آیاتش را برایشان بخواند و آنها را تزکیه و پاک کند.»

این دین آسمانی با تحریم مفاسد اخلاقی که انسانیت انسان را می‌کشد، هر چیزی که فضای انسانی اخلاقی را به لوث می‌کشد نفی می‌نماید؛ با تشکیل ساختار خانواده و نفی همه عواملی که باعث سوق دادن غریزه‌ها به سوی بی‌بندوباری یا ارضای نادرست گردد، امنیت اجتماعی را فراهم می‌نماید؛ و با ارائه نظامی اجتماعی و متعالی، معیارهای مادی همچون رنگ، زبان، نژاد، قبیله و جغرافیا را که باعث چند دستگی مردم می‌شود، محکوم می‌نماید.

هم‌چنین با تضمین کامل حقوق، کرامت و آزادی انسان‌ها و تأمین اجتماعی و اقتصادی آنان و نیز مخالفت با عوامل تخریب همچون بخل، غصب، حرام‌خواری، تمرکز ثروت، اسراف، بی‌دینی، فحشا، آدم‌کشی و... در تحقق اهدافش تلاش می‌نماید. و با عمل کردن به اصل شورا و ولایت و تعمیم مسئولیت در تضمین مشارکت مردمی و سیاسی تلاش می‌کند. این مسائل آن قدر بدیهی و روشن است که نیاز به توضیح بیشتر ندارد.

اسلام در راستای اصول انسانی و در سطح تمدنی خود، در صدد تحقق امنیت و صلح عادلانه برای همه بشریت است و حتی اگر ناچار به جنگ شود این جنگ تنها به پاسخ دادن به متجاوزان محدود خواهد بود و چیزی متوجه بی گناهان نخواهد شد و حتی طبیعت نیز در امان و سالم خواهد ماند. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اصحاب خود توصیه می‌کند:

«سیروا باسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی ملة رسول الله، لا تغلوا، لا تمثلوا، و لا تغدروا، و لا تقتلوا شیخاً فانیاً، و لا صبیاً و لا امراً، و لا تقطعوا شجراً الا ان تضطروا اليها... (کنز العمال: ۲۲۳/۴ و الکافی: ۲۷/۵)؛ به نام خدا و با یاد خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا حرکت کنید. غلو و مثله نکنید، از پشت حمله نکنید، پیرمردان فرتوت، کودکان و زنان را نکشید و درختی را از جا نکنید مگر این که ناچار شوید».

امنیت محیط زیست، طبیعت و حیوانات از نظر اسلام تأمین است. قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» یک قاعده عمومی است که از آسیب رساندن به محیط زیست که آسیب به همه بشریت است، منع می‌کند.

اسلام طبیعت را در اختیار بشر قرار داده است تا شکرگذار نعمت خدا باشد و کفران نعمت نکند: «وَ اَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَاِنْ تَعَدَّوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصَوْهَا اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ كَفَّارٌ (ابراهیم: ۳۴)؛ خداوند هرچه از او خواسته‌اید به شما داده است و چنانچه بخواهید نعمت‌های او را بشمارید نمی‌توانید و به راستی که انسان ستمگر است و کفران نعمت می‌کند».

حتی روابط دوستی و عاطفی می‌تواند میان شخص مسلمان و طبیعت برقرار شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگامی که از کنار احد گذر می‌کرد می‌فرمود: «هذا جبل احد یحبنا و نحبه (الصحاح)؛ این کوه احد است که ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست داریم».

این وعده الهی همچنان در اندیشه مسلمان به عنوان یک هدف که پیوسته به سوی آن حرکت می‌کند، باقی می‌ماند:

«وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَّ عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْاَرْضِ کَمَا اَسْتَخْلَفَ الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَّ لَیَمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِیْنَهُمُ الَّذِیْ اُرْتَضٰی لَهُمْ وَّ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اٰمِنًا یَعْبُدُوْنِیْ لَا یُشْرِکُوْنَ بِیْ شَیْئًا وَّ مَنْ کَفَرَۗ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ؛ خداوند به کسانی که ایمان آورده و عملشان شایسته باشد وعده داده است که آنها را در زمین جانشین خود قرار دهد همان گونه که پیشینان را جانشین خود قرار داد و دین آنها را که مورد رضایت او است حاکم خواهد کرد و ترس آنها را به امنیت تبدیل خواهد نمود تا

مرا بندگی کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند و کسانی که پس از آن کفر بورزند به درستی در زمره فاسقان هستند».

جامعه اسلامی جامعه‌ای جانشین و عبادت‌کننده پروردگار و در امان از دشمنان خارجی و داخلی است. برقراری چنین جامعه‌ای که در آن عبادت خدا و دوری از طاغوت تحقق می‌یابد، هدف پیامبران است.

اگر با نگاهی واقع‌بینانه و با منطق کلی انسانی، تروریسم را به «هر کاری که از نظر وسیله یا هدف با وجدان انسانی هماهنگ نباشد و امنیت را به شیوه‌های مختلف به خطر اندازد» تفسیر نماییم، خواهیم دید که اسلام با تمام توان در مقابلش می‌ایستد و برای ریشه کن کردن آن تلاش و کوشش می‌نماید.

البته با پا بر جا بودن علت‌ها نمی‌توان معلول را از بین برد و امروزه بیشتر مظاهر تروریسم به علل زیادی مربوط است که از آن جمله است:

الف) گسترش نادانی، تعصبات کور و نگرش تاریک به جهان

ب) گسترش فقر و گرسنگی و محرومیت: «کاد الفقر ان یكون کفراً»

ج) گسترش ستم، استبداد، قهر، خشونت و سلب حقوق و آزادی‌های مشروع انسان‌ها

د) نبودن انگیزه معنوی، افت سطح ارزشی و گسترش روحیه حریص و کور حیوانی

تا زمانی که طرح‌ها و برنامه‌های جهانی و دلسوزانه برای از بین بردن این علت‌ها و کاهش تأثیرات آن وجود نداشته باشد، تروریسم همچنان ادامه خواهد یافت.

فراتر از همه این مسائل، برخی از کشورهای بزرگ که تاریخ آنها با جنگ، ویرانی و تروریسم گره خورده است، خود را سرآمد مبارزه با تروریسم می‌دانند؛ در حالی که در جنگ تحمیلی خود علیه تروریسم کثیف‌ترین شیوه‌های آن را به کار می‌گیرند و رژیم‌های تروریستی و فاشیستی به تمام معنای این کلمه، همچون رژیم صهیونیستی را پشتیبانی می‌نمایند.

از این رو ما در دیدارهای خود خواستار انجام تلاش‌های زیر در سطح جهانی و اسلامی هستیم:

موضع پیشنهادی در سطح بین‌المللی

به عنوان یک گام راهبردی برای بازدارندگی از همه اشکال تروریسم، محتوا و منابع آن، اقدام سازمان ملل متحد را برای به عهده گرفتن این برنامه لازم می‌دانیم، با این شرط که با فراهم آوردن

ساز و کارهای تازه مانع اقدام کشورهای بزرگ به منحرف کردن این طرح در جهت منافع ویژه آنها شود، و برای تأمین هدف‌های استکباری فشارهای خود را متوجه سازمان ملل متحد نماید. از این رو سازمان ملل متحد می‌تواند مرجع جهانی در مبارزه فراگیر علیه تروریسم و برقراری صلح عادلانه در زمین شود.

ما موفقیت این مبارزه را در گرو تحقق موارد ذیل می‌دانیم:

۱- برابر بودن حقوق و وظایف کشورهای عضو در سازمان ملل متحد و جلوگیری از سلطه یک یا چند کشور بر تصمیمات این سازمان، به ویژه آن چه به مکانیزم غیر عادلانه آن ارتباط دارد و شورای امنیت تصمیمات خود را از طریق آن اعمال می‌نماید. این مکانیزم برای مثال باعث ادامه تروریسم در بسیاری از کشورهای جهان از جمله در فلسطین شده است. چنان که ایالات متحده آمریکا با استفاده از حق وتو در این شورا ده‌ها بار از صدور قطعنامه شورای امنیت علیه تروریسم صهیونیستی جلوگیری کرده است.

۲- بر طرف کردن ستم از ملت فلسطین و دیگر ملل مجاور ملت فلسطین که در معرض تروریسم و نقض حقوق بشر از سوی رژیم صهیونیستی قرار دارند.

۳- ایجاد یک مکانیزم بین‌المللی برای جلوگیری از پشتیبانی کشورهای بزرگ از رژیم‌های خودکامه و نژادپرست و نیز از سازمان‌ها و گروه‌های تروریستی.

۴- مبارزه با فقر، نادانی، تعصب کور، بیماری و هر گونه مظاهر عقب ماندگی و بیماری‌های ناشی از تمدن امروزی و نیز مبارزه با رسانه‌هایی که خشونت و نژاد پرستی را تشویق و معنویت‌ها و ارزش‌های اخلاقی را در سطح جهان تضعیف می‌نمایند، زیرا این امور زمینه مناسبی را برای پرورش گرایش‌های تروریستی ایجاد می‌نماید.

برای رسیدن به این اهداف از راه کارهای زیر می‌توان بهره جست:

الف) تعمیم منطق گفت‌وگو میان تمدن‌ها و ادیان

ب) تشویق دموکراسی سازگار با ارزش‌ها

ج) کمک به اجرای برنامه‌های توسعه در جهان

د) تقویت سازمان‌های بین‌المللی و زدودن عناصر سلطه‌گری از آن

ه) بالا بردن سطح معنوی و ارزش‌های اخلاقی، تضمین نقش دین و احترام به نقش خانواده در

روند سازندگی جامعه

و) به خدمت گرفتن فن‌آوری اطلاعات به نفع بشریت

ز) تقویت جنبه‌های انسانی هنر و به کارگیری آن به نفع هدف‌های والا

۵- جلوگیری از سوء استفاده کشورهای غربی از رویدادها در راه ایجاد کشمکش میان تمدن‌ها و ادیان و انتقام‌گیری از برخی رژیم‌ها به زیان ملت‌ها

۶- کاهش رنج‌های ملت‌های فلسطین و عراق، ارائه کمک‌های غذایی، لباس، سر پناه، دارو و دیگر ابزار زندگی به آنان، تلاش برای عقب نشینی کامل نیروهای آمریکایی و دیگر نیروها از کشور عراق و بازگشت حاکمیت به مردم آن

۷- ادامه گفت‌وگو میان نخبگان بشریت و پیروان ادیان، تمدن‌ها و مذاهب و گسترش و تعمیق آن به منظور ایجاد افکار عمومی جهانی که بتواند نقش خود را در گسترش عدالت، صلح و دوستی میان ملل جهان ایفا نماید.

صلحی که ما و بشریت خواهان آن هستیم، صلح عادلانه‌ای است که فرصت‌ها در آن برای همگان برابر باشد، هر صاحب حقی به حق خود برسد، با ستم‌دیده عادلانه برخورد شود و متجاوز مجازات گردد. به اعتقاد ما برقراری صلح عادلانه تنها تضمین‌کننده ریشه‌کنی خشونت و تروریسم است، اما صلح تحمیلی و غیر عادلانه بیشتر به مشکلات دامن زده، آن را مثل آتش زیر خاکستر بر جای خواهد گذاشت، زیرا جنایت‌کار و قربانی در آن برابر، حقوق مردم تضییع و سیاست عمل انجام شده حاکم خواهد ماند و سرانجام اقدام‌های خشونت بار قبلی و شاید شدید تر از آن باز خواهد گشت. بدین سان صلح غیر عادلانه عاملی برای ادامه مشکلات و کانونی برای بحران‌ها خواهد بود؛ چیزی که ما امروز در بسیاری از کشورهای جهان شاهد آن هستیم.

راه برون رفت از مشکلات در گستره جهان اسلام خیلی آشکار است و تحقق آن در موارد ذیل تأمین می‌شود:

یک: بالا بردن سطح شناخت و آگاهی توده‌های مردم در زمینه‌های گوناگون (شناخت اسلام و هدف‌های آن، درک صحیح از اوضاع موجود و شناخت تکلیف و وظیفه خود)

دو: تلاش برای اجرای شریعت اسلامی در همه امور زندگی

سه: به اجرا در آوردن روندی تربیتی و فراگیر برای قشرهای گوناگون مردم بر اساس ارزش‌های اسلامی

چهار: تلاش در ایجاد اتحاد و یک پارچه‌سازی موضع امت اسلامی به طور عملی به دور از خیال

بافی و سازش‌پذیری، با پیروی از برنامه‌های معتدل و واقع‌گرایانه و با توجه به هدف‌های از پیش تعیین شده

پنج: تلاش برای تقویت نهادهای فراملیتی اسلامی و فراهم نمودن امکانات و آزادی عمل برای استفاده بیشتر از مکانیزم‌های جدید، فعال و مفید

شش: برنامه‌ریزی فراگیر برای بهره‌گیری بهتر از امکانات سیاسی، اقتصادی، تبلیغاتی جغرافیایی و مادی و امکانات مردمی، علمی و فرهنگی و بسیج نمودن آن در روند رویارویی

هفت: تلاش برای حل برخی کشمکش‌های جانبی یا کنار گذاشتن و به تعلیق درآوردن آن به منظور رسیدن به اهداف مهم‌تر و پاسخ‌گویی به اولویت‌ها

هشت: پشتیبانی از اقلیت‌های مسلمانان موجود در کشورهای جهان که جمعیت آنها بالغ بر یک سوم کل جمعیت مسلمان‌ها می‌شود و تاکید بر:

۱ - موجودیت

۲ - وحدت

۳ - هویت آن‌ها و تقویت زمینه‌های همبستگی آنان با امت اسلامی

نه: تاکید بر حمایت از نهادهای خیریه، امدادی و تبلیغاتی و رها نکردن آنها به حال خود و جلوگیری از گرفتارشدن‌شان در اختلافات جانبی، مذهبی و سیاسی

ده: حفظ اصالت آموزش، استقلال نهادهای آموزشی و عدم پذیرش فشارهای خارجی به منظور ایفای نقش خود به بهترین وجه

یازده: استفاده بهینه از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی غیر دولتی در راه تأمین منافع عادلانه خود

دوازده: ایستادگی قاطعانه در راه مسائل سرنوشت‌ساز خود که مهمترین آن مسئله فلسطین است و برنامه ریزی برای آن.

در این زمینه موارد ذیل را پیشنهاد می‌کنیم:

۱- بسیج کردن همه ملل اسلامی جهت ناکام سازی طرح شارون برای به زانو در آوردن ملت فلسطین و پایان دادن به انتفاضه قهرمان با پشتیبانی از پایداری و مقاومت شجاعانه این ملت

۲- بسیج امکانات برای کمک به آوارگان فلسطین و بازسازی خرابی‌ها و درخواست از کشورهای ثروتمند برای تأمین هزینه‌ها

- ۳- تأکید بر اسلامی بودن مسئله فلسطین و به کارگیری امکانات جهان اسلام به نفع آن
 - ۴- استفاده از همه امکانات قانونی و محافل بین المللی در راه افشای جنایات صهیونیستی
 - ۵- اجازه ندادن به آمریکا برای تکروی در مسئله فلسطین و نظایر آن و عدم اعتماد به راه‌حل‌های آمریکایی
 - ۶- برنامه‌ریزی جدی برای بازگشت به سیستم تحریم همه‌جانبه علیه رژیم غاصب صهیونیستی و حمایت‌کنندگان آن و اجرای فوری تحریم‌های مردمی
 - ۷- فعال نمودن نقش سیاسی سازمان کنفرانس اسلامی در این زمینه و به ویژه به اجرا در آوردن قطعنامه‌های بین‌المللی برای مطالبه حقوق فلسطینیان
 - ۸- تلاش بین المللی در راه ارائه تعریفی فراگیر برای تروریسم و تفاوت قائل شدن میان آن و مقاومت مشروع
 - ۹- اعطای پوشش حقوقی به مقاومت ملت فلسطین
 - ۱۰- لزوم استفاده فعال از امکانات سازمان‌های غیر دولتی همانند اقدام کنفرانس «دوربان» در آفریقای جنوبی
- سر انجام تأکید می‌کنیم که:

تمدن اسلامی که قرآن کریم و سنت پیامبر ﷺ آن را به ارمغان آورده، نمونه‌هایی از تمدن انسانی و والا در زمینه‌های زیر ارائه نموده است:

- گفت‌وگو با پیروان سایر ادیان بلکه همه غیر مسلمانان حتی مشرکان و حفظ احترام آنان
- پذیرش تکرر دینی، مذهبی و فرهنگی
- جنگ عاری از ویرانگری و کشتار جمعی
- پذیرش عهدنامه‌ها و اجرای کنوانسیون‌های داخلی و بین المللی
- احترام به حقوق انسان‌ها بلکه حیوانات و محیط زیست
- احترام به اماکن عبادی و مذهبی دیگران
- تلاش برای حمایت از عدالت و دفاع از مستضعفان، محرومان و گرسنگان
- تلاش برای اشاعه روح گفت‌وگوی اصولی، انسانی و سالم با تعیین محل نزاع، و پیروی از شیوه‌های علمی، حفظ تناسب میان گفت‌وگو کنندگان، احترام به طرف مقابل، رد روش‌های جنجالی و اعمال روش‌های شایسته

- آزادی امت در انتخاب رهبران و سرنوشت خود و مسئولیت حاکم در برابر همهٔ افراد جامعه حتی اگر پیرو دین دیگری باشند.

- پیشبرد صلح و تأیید راه‌حل‌های مسالمت آمیز حتی با فرض وجود توطئه

- تبادل تمدنی با همه ملت‌ها و در همه حال و همه جا به دنبال علم و دانش بودن

- کشش و انگیزش به سوی بخشش، تسامح، تعاون، ایثار و سایر ارزش‌ها

چنین تمدنی شایسته متهم شدن به افراط‌گری، خشونت، تروریسم و اشاعه ترس از آن (اسلاموفوبیا)، راه‌اندازی جنگ صلیبی علیه آن، برنامه ریزی برای ایجاد تردید در ارزش‌های آن و دست زدن به تهاجم فرهنگی علیه آن نیست.

